

# گروه طالبان تهدید جدی برای امنیت آمریکا نیست!

علی قادری



فراموش کرد. اما گروه طالبان همزمان از کشور های عربی نیز حمایت می شد. به همین خاطر، گروه طالبان توانست سازمان و گروه خود را در افغانستان حفظ کند و برای مدتی قدرت سیاسی را در افغانستان به دست بگیرد. بنا به قدرت رسیدن این گروه در کابل، گروه های تندرو مذهبی از کشور های مختلف به افغانستان آمدند و افغانستان مامن و پناهگاه شبکه القاعده شد. گروه طالبان این فرصت را برای شبکه القاعده فراهم کرد تا این شبکه در افغانستان برنامه های خود را برای حمله بر کشور های غربی تدوین نماید. در نهایت، القاعده توانست بزرگترین حمله تروریستی خود را عملی سازد و دو برج تجارت جهانی را فروریزد. این حمله ایالات متحده آمریکا را از خواب طولانی مدت بیدار کرد و این کشور را دوباره متوجه افغانستان ساخت.

بعد از حمله یازده سپتامبر رئیس جمهور آمریکا از گروه طالبان خواست تا رهبر شبکه القاعده را به این کشور بیاورد اما گروه طالبان حاضر به این کار نشد. در نهایت رئیس جمهور آمریکا اعلان کرد: القاعده دشمن آمریکا است و گروه های که از این شبکه حمایت کنند نیز دشمن آمریکا محسوب می شود. در دوران ریاست جمهوری جرج بوش گروه طالبان دشمن آمریکا محسوب می شد و آمریکا در افغانستان با این گروه می جنگید. با روی کار آمدن باراک اوباما، نوع نگاه آمریکا به طالبان تا حدودی تغییر کرد. آمریکا در عین حال که با گروه طالبان می جنگید سعی نمود تا این گروه را متقاعد سازد که سهم در حکومت افغانستان بگیرد و از جنگ دست بکشد. حال که مأموریت رزمی نیرو های آمریکا در افغانستان پایان یافته است دشمن بودن گروه طالبان

تا چند روز آینده مأموریت رزمی نیرو های ایالات متحده آمریکا در افغانستان رسماً به پایان می رسد. برای ایالات متحده آمریکا، جنگ افغانستان طولانی ترین و پر هزینه ترین نبرد رزمی در خارج از کشور شان بوده است. اما پایان مأموریت رزمی نیرو های ایالات متحده آمریکا به معنی پایان همکاری های ایالات متحده آمریکا با افغانستان نیست. بنا بر پیمان امنیتی که میان کابل و واشنگتن امضا شده است، بخش از نیرو های ایالات متحده آمریکا به منظور آموزش نیرو های امنیتی در افغانستان باقی خواهد ماند. با این حال، نیرو های رزمی ایالات متحده آمریکا به صورت مستقیم با دشمنان و مخالفان مسلح حکومت افغانستان رو در رو نخواهد جنگید. برای آمریکا پایان مأموریت در افغانستان به معنی تغییر استراتژی نظامی آن ها نیز هست. در تازه ترین مورد، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا بیان داشته است: اعضای گروه طالبان را تنها در صورتی هدف قرار خواهد داد که اقدامات آنها «تهدید مستقیم علیه امنیت آمریکا» محسوب شود. سخنان سخنگوی پنتاگون بیانگر تغییر استراتژی نظامی ایالات متحده آمریکا در افغانستان را تا حدودی نمایان می کند. این نوشتار سعی بر آن دارد تا این مسئله را به بررسی بگیرد. اما برای فهم مسئله لازم است که به صورت مختصر دیدگاه آمریکا در مورد گروه طالبان را به بررسی بگیریم. اول: گروه طالبان در زمان حضور فشنون سرخ شوروی سابق از سوی ایالات متحده آمریکا از طریق پاکستان حمایت مالی و تسلیحاتی می شد. بعداً با خروج ارتش شوروی ایالات متحده آمریکا به هدف خود که همانا انتقام از شوروی باشد، دست یافت و افغانستان را به کلی

این چندمین بار است که اعلام کابینه به تعویق افتاده است. رییس جمهور در ابتدا از مردم چهل و پنج روز مهلت خواسته بود تا کابینه حکومت وحدت ملی را معرفی کند، اما این مهلت اکنون نزدیک به سه ماه می رسد؛ اما بازم سران حکومت وحدت ملی برای معرفی کابینه به توافق نرسیده اند. در یک سال گذشته مردم به خاطر انتخابات و نبود حاکمیت درست سیاسی فربه ها و خسارت های جبران ناپذیری را متحمل شده اند. بازار کسب و کار به کلی به تعطیلی گرایید و سرمایه های مملکت توسط دولتمردان، زور مداران و تجاران به صورت غیر قانونی به خارج انتقال پیدا کرد. فقر و بیکاری مردم را در وضعیت ناگوار اقتصادی قرار داد. از سوی دیگر ترس و هراس از نا امنی بارهنگار به روند پدید مهاجرت شدت بخشید و مردم از روی ناچاری راه مهاجرت به کشورهای خارج را در پیش گرفتند. سه ماه قبل وقتی حکومت وحدت ملی پس از چارو جنجال های زیاد بر اساس یک موافقتنامه میان دو تیم تشکیل شد؛ گرچند مردم هم نسبت به مشروعیت این حکومت و هم نسبت به کار آمدی آن شک و تردید داشتند؛ اما بازم امید وار بودند که حد اقل با وجود یک حاکمیت سیاسی جدید کارو بار مردم رونق بگیرد و وضعیت نابسامان سیاسی، اقتصادی و امنیتی تا حدی بهبود پیدا کند. از این رو مردم از هر تیم و با هر گرایش سیاسی که بودند از تشکیل حکومت وحدت ملی استقبال کردند. اقدامات محدود و فردی رییس جمهور در روز های اول کاری امیدواری شهروندان را بیش از اندازه بالا برد. مردم امیدوار شدند که اگر چنین اراده ای در حکومت وجود داشته باشد، بدون شک اوضاع سامان خواهد گرفت و شرایط زندگی برای مردم سهل تر خواهد شد. با این که از همان آغاز معلوم بود که اقدامات فردی و شخصی نمی تواند معیار قضاوت در باره کل سیستم قرار گیرد، اما بازم در افغانستان همین حد اقل تلاش برای بهبود سیستم اداری، کاهش فساد، حصاررسی شفاف و مبارزه با جرم گرای مردم پسند مردم قرار می گیرد و از آن استقبال می شود. این چهل و پنج روز در سایه حکومت وحدت ملی و وزارتخانه ها و والی های سرپرست به امیدواری گذشت، اما زمانی که موعد تشکیل کابینه فرارسید، مشکلات لاینحل و عمیق میان تیم های حکومتی بیشتر تبارز کرد و امیدواری مردم هر روز کمتر شده می رفت. شرکت هیأت حکومت وحدت ملی در کنفرانس لندن و اجلاس بروکسل واقعا سلال آور بود. اشتراک دو نفر در کنفرانس های خبری از طرف افغانستان نوعی نشانه و ناسازگاری را در حکومت وحدت ملی به نمایش گذاشت و شرکت وزرای غیر قانونی که از هیچ صلاحیتی برخوردار نبوده، عمق در ماندگی و عجز و نفاق داخلی در حکومت وحدت ملی را نشان می داد. پس از این نیز مردم هر روز منتظر اند که کابینه حکومت معرفی شود، اما نمی شود.

اختلاف بر سر تقسیم کرسی ها از یک سو و در گزینش اشخاص از سوی دیگر مایه اختلافات بسیاری میان دو تیم شریک در قدرت گردید و در درون تیم ها نیز به اختلاف ها دامن زد. اکنون این اختلاف ها چالش بزرگی را بر سر راه تشکیل حکومت وحدت ملی و اعلام کابینه به وجود آورده است. وضعیت نابسامان اداری و سیاسی کنونی از یک طرف ضعف و بیچارگی سران حکومت را بر ملا می سازد و از سوی دیگر فساد اداری را تا چند برابر افزایش داده و میزان پاسخگویی مقامات را به صفر تقلیل داده است. فترت، بیکاری که بیشتر از ناامیدی مردم نسبت به اوضاع آینده کشور ناشی می شود، هر روز دامنه دار شده و تعداد بیشتری از مردم را زیر پوشش قرار می دهد. شرایط کلی کشور اکنون به وضعیت پس از انتخابات دور دوم امسال نزدیک شده است. حکومت بسیاری از فرصت ها را تا هنوز از دست داده است و حمایت افشار وسیع مردم از حکومت کم رنگ تر می شود و اعتماد شهروندان از دولتمردان در حال حاضر از بین رفته است و این روزها تصادای از مردم می گویند که از وضعیت فعلی به هر حال همان وضعیت قبلی بهتر بود. اگر این قضاوت و داوری عمومیت پیدا کند، برای حکومت وحدت ملی و کلیه دولتمردان فاجعه بار خواهد بود.

# زنان و جامعه شناسی

صفر علی پیام

و با دید زبانه صورت گیرد اما از مطالعه روی مردان و تأثیر متقابل آن بالای زنان نیز نباید غافل شد. رویکرد های فوق هر کدام مزیت ها و کاستی های خاص خود را دارد، اما باید خاطر نشان کرد که با طرح همجو مباحث و نظریات کمک شایانی در بهبود حقوق زنان و حسیه زدایی آن ها از جامعه صورت گرفته است. اکنون در اغلب کتاب ها و آثار جامعه شناسی متأخر فصل های طولانی برای بحث زنان اختصاص داده می شود، این اقتصاد ها سبب شده که جامعه شناسان در تحقیقات و ارائه نظریات شان در رابطه به مسایل جنس و جنسیت محتاطانه عمل کند و بر نظریات کلاسیک جامعه شناسی نیز دید انتقادی داشته باشد. با پدید آمدن جامعه شناسی زنان، بسیاری از مسایل و مشکلات آنان به صورت علمی و عمیق تئوریزه گردیده است.

امروزه جنبش های زنان در اقصی نقاط جهان از پیشروانه های علمی برخوردار است، زیرا بسیاری از دیدگاه های مردانه در مورد زنان و نقش آن ها در جامعه با استدلال و منطق رد گردیده و به جای آن دیدگاه های جدید مبتنی بر تساوی جنسیت و برابری جایگزین شده است. اکنون علم جامعه شناسی زنان و جنبش های فمینیستی با درگیری ها و اختلافاتی که داشته پیش از هر زمان دیگر وارد تعامل گردیده است. خیلی از مسایل و تبعیض های جنسیتی که زمانی پدیده معمول حنا از منظر جامعه شناسان به شمار می رفت اکنون به دیده تردید به آن نگریمسته می شود و ندای زنان بیشتر گوش شنوا پیدا می کند. انتظار می رود که به مرور زمان انتقادات فمینیست ها و جامعه شناسان زن به طور کامل مورد توجه جامعه شناسی رایج قرار گرفته، از پیشداوری ها و ارزش گذاری های مردانه اجتناب شود و جهان به سوی برابری جنسی و تقویت ارزش های انسانی بدون در نظر داشت جنسیت انسان ها در حرکت باشد.



های موجود را جدأ زیر سوال قرار دادند. از نخستین فعالان زن که به شکل رسمی علیه تبعیض جنسیتی موضع گرفت و دست به نوشتن زده ماری ولستون کرافت نویسنده انگلیسی در فرانسه بود که کتابی تحت عنوان «استیقای حقوق زنان» نوشت و در آن به انتقاد وضع موجود پرداخت و به تساوی حق بین زن و مرد تأکید کرد، بعداً با چنان استوارت میل «کنیز گردن زنان» را نوشت و به تیوریزه کردن مسایل و مشکلات زنان پرداخت. از آن به بعد جنبش های منظم و پرفرمتی شکل گرفتند که از آن ها به نام امواج فمینیسم یاد می کند که با گذشت زمان خواست ها و مطالبات بیشتر زنان در رابطه به نقش شان به عنوان یک انسان در جامعه را مطرح کردند. انتقاد زنان و جنبش های فمینیستی تنها منحصر به رویکرد های مردانه جامعه نیست و آن ها علوم از جمله جامعه شناسی را نیز مورد انتقاد قرار داده اند. زیرا معتقد اند که بیشتر تحقیقات و تیوری های جامعه شناسی به واسطه مردان شکل گرفته است و با به عبارت دیگر اکثر جامعه شناسان مرد بوده اند و تحت تأثیر چشم انداز مردانه قرار داشته و از مسایل زنان غافل شده است. انتقاداتی که بر جامعه شناسی رایج وارد می کند قرار ذیل است:

۱. کار جامعه شناسی عمدتاً تحقیق در باره مردان و به تبع آن نظریه پردازی برای مردان بوده است
۲. یافته های پژوهشی که بالای مردان انجام شده به کل جمعیت تعمیم داده شده
۳. حوزه ها و مباحث زنان نادیده گرفته شده است.
۴. هرگاه زنان در تحقیقات گنجانده می شوند تصویر تحریف شده همراه با پیش داوری جنسیتی از آن ارئه می شود
۵. جنس و جنسیت به ندرت در مطالعات جامعه شناختی متغیر های تبیین گر و مهم تلقی می شوند.
۶. جامعه شناسان زن معتقد اند که در جامعه شناسی رایج تعاریف، مصطلحی، مسئول وب سایت: محمد علی پورامی

احساسات و جهان بینی های زنانه یک ناپدیده گرفته شده است، در اغلب تحقیقات هم محقق و هم افراد تحت تحقیق مرد بوده اند، جنس و جنسیت به عنوان یکی از مسایل اساسی از چشم انداز جامعه شناسی رایج بدورمانده و در بسیاری از تحقیقات پیشداوری های جامعه شناسان دخالت داشته است که این عوامل تا حد زیادی از اعتبار نظریه ها و تحقیقات جامعه شناسی کاسته است. بدین سبب جامعه شناسان زن و فمینیست ها خواستار تجدید نظر در رویکرد های جامعه شناسی رایج شده و سه راه حل برای فایق آمدن بر چالش موجود ارائه داده است:

اول ادغام، این رویکرد مهمترین مسئله جنس پرستی موجود را جامعه شناسی مردانه می داند، و راه حلی که ارائه می دهد بر طرف کردن این جانب داری با اصلاح نظریات و کاربرست های جامعه شناسی است تا مسایل زنان را در بر بگیرد. اما انتقادی که بر آن وارد است این است که از آن جایی که بنیاد های اساسی نظریات جامعه شناسی دست نخورده باقی می ماند، احتمال دارد، زیرا اعتبار علمی آن مورد پرسش قرار نمی گیرد. دوم جدایی طلبی، طرفداران جدایی طلبی معتقد اند که به جای تغییر پیشداوری های جامعه شناسی موجود، زنان باید جامعه شناسی خاص خود را به وجود آورد، تا جامعه و جهان را از چشم انداز خود شان ببیند و تفسیر کند. اما انتقادی که بر این رویکرد وجود دارد این است که این نوع نگاه زنان را برای همیشه حاشیه نشین می کند و جامعه شناسی مردانه با خیال آسوده به نظریه پردازی تبعیض آمیز خود ادامه می دهد و همچنان زنان و نگرش های فمینیستی را نادیده می گیرد. سوم بازسازی مفاهیم، طرفداران این نگرش، بر لزوم پژوهش های جامعه شناختی به دست زنان برای زنان تأکید می کند، اما تحقیقات روی مردان را نیز نادیده نمی گیرد، به نظر طرفداران این نگرش جامعه شناسی زنان باید به وجود آید و تحقیقات روی زنان به واسطه زنان

بعد از رنسانس، سه تحول به هم پیوسته به تمدن و جامعه غربی روح تازه بخشید، جنبش روشنگری، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی. این انقلاب ها در سه بخش مهم زندگی انسان ها یعنی انقلاب در اندیشه و تفکر تحت نام روشنگری، انقلاب در سیاست تحت نام انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب در صنعت و تکنولوژی تحت نام انقلاب صنعتی رخ داد. با این سه انقلاب مدتی رسیده که همزمان به حاشیه رانده شده های بنیادی تمدن غرب پایه ریزی گردید، جهان بینی ها، بعد از رنسانس، سه تحول به هم پیوسته به تمدن و جامعه غربی روح تازه بخشید، جنبش روشنگری، انقلاب کبیر فرانسه و انقلاب صنعتی. این انقلاب ها در سه بخش مهم زندگی انسان ها یعنی انقلاب در اندیشه و تفکر تحت نام روشنگری، انقلاب در سیاست تحت نام انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب در صنعت و تکنولوژی تحت نام انقلاب صنعتی رخ داد. با این سه انقلاب مدتی رسیده که همزمان به حاشیه رانده شده های بنیادی تمدن غرب پایه ریزی گردید، جهان بینی ها،



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش درکی و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com  
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا  
مدیر مسوول: محمد رضا هویدا  
سردبیر: حفیظ الله زکی  
کاریکا توریست: خالق علی زاده

دبیران: حسن زاده، محمد صالحی، علی اصغر زاهدی، مصطفی.  
مسئول وب سایت: محمد علی پورامی

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷

افغانستان The Daily Afghanistan  
Outlook AFGHANISTAN  
The Leading International Magazine